

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

نویسنده: الیاس پیام "رستاقی"

۱۶ سپتمبر ۲۰۱۲

یکی از داستانهای به یغما رفتن آثار تپه تاریخی آی خاتم ولایت تخار به دست افراد مسعود و ربانی "علیها لعنه"!

پیرم قل ومأمور حسن غاصب ۲۶ میلیون دالر آثار تاریخی آی خاتم

در زمانی که ابراهیمی دزد والی تخار است، پیرم قل ورقه عرضی را جهت رسیدگی به کشیدگی که میان او و حاجی علی مردان بای رخ داده، پیش می کند. موضوع این عریضه شکایت پیرم قل را از حاجی علی مردان بای نشان می داد که نامبرده "حاجی علی مردان" بای مبلغ ۸۰۰۰۰ هزار دالر امریکائی از پیرم قل قرضدار بوده و ازدادن این مبلغ پول امتناع می ورزد، این درگیری لفظی به اندازه ای میان شان بالا گرفته که کار به عریضه و عریضه بازی می کشد.

حاجی علی مردان مدعی است که ندادن این پول چه که اگر ده چند آن قرضدار وی می بودم و آن را نمی پرداختم، باز هم دلم تسلی نمی یافت. علی مردان ادعائی را که فکر می کند ادعای قانونی است مقابل پیرم قل پیش می کشد. او می گوید وقتی بکس سفالی پرازسکه های طلا را که بعد از روزها کار در تپه گرم و سوزان آی خانم پیدا کرده بودیم، پیرم قلک ومأمور حسن بعد شنیدن این خبر مرا احضار نموده، از من طلب عشر کردند و هریک به تعداد ۳۶۰ دانه آن را که مجموعاً ۷۲۰ دانه می شود از ۳۶۰ سکه ای که من یافته بودم، به نام عُشرازندم گرفتند، چندی نگذشته بود که باز نزد آمدند ومجبورم کردند تا یکمقدار آن را برایشان بفروشم. من که محاسبه خود را داشتم ومی دانستم که مسأله خریدن صرف پوشش بوده و آنها برای به زورگیری آمده اند. ازینکه آن وقت توان مقابله با آنها را نداشتم، تسلیم زورگویی های اینان شدم. همین بود که هرکدام ۱۲۰ دانه آن را که مجموعاً ۲۴۰ سکه طلا می شود در مقابل پول بینهایت ناچیز از نزد من به اصطلاح خریدند.

طبق گفته علی مردان بای سکه هائی را که او یافته بود، سکه طلائی نوع دواسپه وسنگ نشین بوده و وزن هریک شان دو و نیم مثقال که معادل ۱۰ گرام می شود بود. حاجی علی مردان بای زمانی که این گنج را به دست می آورد به قیمت آن صرف به نرخ وزن طلا برخورد می کند وبه همین خاطر تعداد قابل توجه آن را به هرکس تحفه وبه قیمت نازل به فروش می رساند. زمانی که از نرخ اصلی این سکه ها آگاهی می یابد « متأسفانه» دیگر سکه ای در نزدش باقی نمانده است.

او علاوه می نماید بعد از این که در دل تپه تاریخی آی خانم چیزی به نام آثار تاریخی باقی نماند و خرید و فروش آثار تاریخی تاحدی فروکش کرد. تجار آثار تاریخی چندین معامله خرید و فروش این نوع سکه را فی دانه مبلغ ۱۰۰۰۰ دلار امریکائی معامله می نمودند. علی مردان به خاطری که چانس از دست داده اش را محاسبه نماید از سبحان قل "معاون پیرم قل" یادآور می شود که او یک دانه این سکه را در جریان انتخابات وکالت خود مبلغ ۲۸۰۰۰ هزار دلار امریکائی در تخابه فروش رسانید، در حالیکه ارقام گفته شده قیمت های خرید و فروش در داخل کشور است و در پاکستان و سایر کشورهای خارجی نرخ این سکه ها به مراتب بالا می باشد. حد اقل به اساس نرخ خرید و فروش شده سکه ها، قیمت تخمینی جنایت را می توانیم به دست بیاوریم. از محاسبات بالا قیمت سکه هائی را که پیرم قل و مأمور حسن از حاجی علی مردان بای به دست آوردند حساب می کنیم.

۱- تعداد سکه هائی که پیرم قل و مأمور حسن از حاجی علی مردان بای عشر گرفت ۲۸۰۰۰×۷۲۰ دلار امریکائی
 $= ۲۰۱۶۰۰۰۰$ بیست میلیون و یکصد و شصت هزار دلار امریکائی

۲- تعداد سکه هائی که پیرم قل و مأمور حسن از حاجی علی مردان بای به نرخ ناچیز به زور گرفتند ۲۸۰۰۰×۲۴۰
 $= ۶۷۲۰۰۰۰$ شش میلیون و هفتصد و بیست هزار دلار امریکائی

مجموعاً $۲۰۱۶۰۰۰۰ + ۶۷۲۰۰۰۰ = ۲۶۸۸۰۰۰۰$ بیست و شش میلیون و هشتصد و هشتاد هزار دلار امریکائی

سهم هریک شان ۱۳۴۴۰۰۰ سیزده میلیون و چهارصد و چهل هزار دلار امریکائی می شود.

تپه تاریخی آی خانم در زمان سک مستی های قومندان ماورای کوکچه ولایت تخار یا قومندان احمد شاه مسعود و برهان الدین ربانی، در شرایط آرام و غیر جنگی که ولایت تخار کاملاً تحت تسلط افراد ربانی و مسعود بود تاراج گردید. این چور که غیر از به نمایش گذاشتن صفات پلید جهادی و فرهنگ ستیزی، تاریخ ستیزی، هویت زدائی، مفهومی نمی توانست داشته باشد، بزرگترین ضربه فیزیکی به پیکر اماکن تاریخی و باستانی افغانستان به حساب می آید. رقم بالا یکی از هزار حکایت تلخ تاراج و چپاول دارائی های این مملکت است که به دست های پلید اخوان رقم خورده است.

به این ترتیب تمام آثار تاریخی تپه آی خانم که در تمام حکومت های گذشته مورد دست برد قرار نگرفته بود، توسط این وحشی ها به تاراج رفت. اگرچه در قاجاق آثار تاریخی آی خانم افراد غیر شواری نظاری و جمعیتی هم دست داشتند، منتها استفاده اعظمی را اینان بردند و زمینه این چور را امارت جهادی مسعود و ربانی این هیولاهای فرهنگ ستیز مساعد ساخته بود. شاید همین رشته فرهنگ ستیزانه اینان است که، بعضی ها را با ایشان پیوند می زند، و در روز های یاد بود شان دستمال و پیکول به گردن می اندازند تا لحظه ای به جنایات نابخشودنی که مسعود و ربانی در طول حیات مبتذل شان انجام داده، روح ضد فرهنگی شان را سیر آب کرده باشند.